

درهم و دینار در فقه و حقوق اسلامی

ابراهیم شفیعی سروستانی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۴/۱۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۳/۳۰)

چکیده

درهم و دینار در صدر اسلام دو سکه رایج در میان مردم بود و از این رو شارع مقدس آن‌ها را به عنوان معیاری برای پرداخت کفاره‌ها، خسارت‌ها و مالیات‌های شرعی قرار داد و به این ترتیب بسیاری از احکام شرعی بر پایه تصویری که در آن اعصار از این دو نقد رایج بود، شکل گرفتند. درهم و دینار در قرون اولیه اسلام به عنوان دو سکه نقره و طلا شناخته می‌شدند که همواره از نظر وزن و ارزش میان آن‌ها معادله برقرار بود و از این رو به طور معمول ده درهم نقره برابر با یک دینار طلا به شمار می‌آمد. با خارج شدن این دو نقد اسلامی از گردونه مبادلات روزمره مردم، رفته‌رفته نسبت‌های موجود میان آن‌ها هم به فراموشی سپرده شد و به تدریج این دیدگاه نادرست به وجود آمد که هر یک از این دو نقد می‌توانند به صورت مستقل به عنوان معیاری برای پرداخت دیون شرعی، به شمار آیند. این دیدگاه، مشکلات فراوانی را در فهم روایات و عمل به آن‌ها و همچنین تفسیر و اجرای برخی از مواد قانونی از جمله مقررات دیات به وجود آورد. با توجه به اینکه اصلاح این دیدگاه نادرست، می‌تواند برخی از مشکلاتی را که در حال حاضر در اجرای بخشی از احکام اسلامی وجود دارد، حل کند، در این مقاله با بهره‌گیری از متون فقهی و تاریخی به تبیین ماهیت این دو نقد اسلامی و نسبت‌های موجود میان آن‌ها پرداخته شده و لزوم توجه به نسبت ارزشی آن‌ها در همه مباحث فقهی و حقوقی اثبات شده است.

کلید واژه‌ها: درهم، دیات، دینار، زکات، فقه اسلامی، قانون دیات، مهر السنه، نقود اسلامی.

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تحولی اساسی در نظام قانون‌گذاری کشور به وجود آمد و فقه شیعه که پیش از آن نیز منبع و الهام‌بخش پاره‌ای از قوانین، همچون قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ بود، به عنوان اصلی‌ترین منبع قانون‌گذاری مطرح شد.

این تحول اگرچه بسیار مغتنم و مبارک بود، اما نبود تجربه حکومت‌داری و قانون‌نویسی بر اساس فقه شیعه باعث به وجود آمدن چالش‌هایی در عرصه قانون‌گذاری گردید.

در نخستین تجربه‌های قانون‌نویسی پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، تنها به ترجمه متون فقهی به ویژه تحریرالوسیله حضرت امام خمینی (ره) بسنده شده و عناصری همچون مصلحت، زمان و مکان و حتی پاره‌ای از اصول شکلی قانون‌نویسی در آن‌ها نادیده گرفته شده بود. [۲۲، ص ۱۵۵ - ۱۵۹]

یکی از پیامدهای این‌گونه قانون‌نویسی ورود واژه‌های جدید همچون درهم و دینار در متون قانونی بدون ارائه تعریف مشخصی از معنا، مفهوم و مصادیق خارجی آن واژه‌ها بود. (ماده ۳ قانون مجازات اسلامی (دیات) مصوب ۱۳۶۱/۴/۲۹ و ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰/۹/۷)

یکی از پرسش‌های مطرح این است که در این مواد قانونی مراد از درهم و دینار چیست و مصادیق عینی و خارجی آن در حال حاضر کدام است؟

پرسش‌های مختلفی که در طول سال‌های گذشته در مورد چگونگی پرداخت درهم و دینار از اداره حقوقی قوه قضائیه شده است، همه بیانگر سردرگمی دادگاه‌ها در تعیین مصداق درهم و دینار ذکر شده در قانون است که در اینجا به دو نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

سؤال ۱: با توجه به اینکه سکه‌های نقره فعلی، درهم زمان رسول خدا نیست، آیا پرداخت

مسکوکات نقره قدیمی غیرمغشوش جای محکومیت به پرداخت دیه ممکن است یا خیر؟

شماره و تاریخ نظریه: ۱۳۷۱/۸/۱۱-۷/۵۷۱۷

نظریه اداره حقوقی

مراد از درهم و دینار که در دیات و زکات آمده است، طلا و نقره مسکوک با عیار و وزن مخصوص است و عنوان درهم و دینار موضوعیت ندارد؛ کما اینکه به مسکوکات طلا و نقره زکات تعلق می‌گیرد، با وجود اینکه اسم آن‌ها دینار و درهم نیست. مرحوم میرزای قمی در کتاب جامع الشتات در باب دیات نیز همین امر را تصریح نموده است و اگر کسی بگوید که حتماً درهم و دینار زمان بعد از رسول خدا با درهم و دینار زمان ایشان متفاوت و مختلف بوده و نباید مورد قبول واقع می‌شد، مستلزم آن است که بگوید به طلا و نقره مسکوک این زمان هم زکات تعلق نمی‌گیرد؛ حال آنکه در مورد زکات اکثر فقهای عظام معتقد به تعلق

زکات به طلا و نقره مسکوک (با هر اسم و نام و نشان) می‌باشند. نتیجه آنکه پرداخت نقره مسکوک با وزن و عیار مذکور در ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی، هر چند به اسم درهم و دینار نباشد، موجب برائت زمه جانی خواهد بود. [۲۲، ج ۱، ص ۷۶۴-۷۶۵]

با توجه به پاسخ یادشده، این پرسش مطرح می‌شود که پرداخت کننده دیه، نقره مسکوک با وزن مذکور در قانون را از کجا پیدا کند تا ذمه خود را با آن بری سازد؟ آیا صرف برداشتن اسم درهم و دینار مشکل را حل می‌کند یا تازه آغاز مشکل است؟ بر پایه همین نظریه بود که برخی از دست‌اندرکاران قوه قضاییه به بانک مرکزی پیشنهاد دادند که سکه‌ای با وزن و عیار مشخص شده در قانون مجازات اسلامی ضرب کند تا برای پرداخت دیه از آن استفاده شود!

سؤال ۲: اگر محکوم علیه به پرداخت دیه، درهم انتخاب نموده باشد، آیا نام‌برده برای برائت ذمه می‌تواند درهم نقره امارات متحده عربی را که در بازار موجود می‌باشد و مورد معامله قرار می‌گیرد و نرخ آن توسط جراید روزانه اعلام می‌گردد پرداخت نماید؟
شماره و تاریخ نظریه: ۱۳۷۳/۷/۹-۷/۴۶۵۸

نظریه اداره حقوقی

صرف خرید و فروش درهم نقره امارات متحده عربی در بازار و یا اعلام نرخ خرید و فروش آن در جراید کشور دلالتی بر تأیید عیار و وزن مخصوص آن (موضوع بند ۶ ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی) نداشته، بلکه مراد از درهم و دینار که در قانون مجازات اسلامی باب دیات آمده است، طلا و نقره مسکوک و با عیار و وزن مخصوص است و عنوان درهم و دینار موضوعیت ندارد. پرداخت نقره و طلای مخصوص با وزن و عیار مذکور در قانون موجب برائت ذمه جانی می‌شود. در مورد اینکه درهم مذکور در استعلام حاوی مختصات مذکور در ماده ۲۹۷ قانون می‌باشد یا خیر، به عهده کارشناس است. [۲۳، ج ۲، ص ۶۲۰-۶۲۱]

نامشخص بودن مفهوم و مصداق درهم و دینار و سردرگمی ناشی از این موضوع، سرانجام مسئولان قوه قضاییه را بر آن داشت که در بهمن ۱۳۷۳ با استفتا از مقام معظم رهبری برای این موضوع چاره اندیشی کنند. متن استفتای آیت الله یزدی، رئیس وقت قوه قضاییه از رهبر معظم انقلاب اسلامی به شرح ذیل است:

اطلاع پیدا کردیم نظر مبارک فقهی آن جناب در مسئله دیه آن است که در شش امر مذکور، درهم و دینار به عنوان پول زمان ذکر شده و جانی برای پرداخت مخیر بوده است که یکی از آن چهارچیز را بپردازد یا پول آن‌ها را که درهم پول خرد و دینار پول درشت بوده و امروز هم جانی مخیر است یکی از آن چهار چیز را انتخاب کند یا پول یکی از آن‌ها را بپردازد. که پرداخت پول یکی از آن‌ها متوقف بر تعذر وجود هر چهار نوع دیگر، آن طور که در ماده ۲۹۷ ق.م.آ. و تبصره آن آمده، نیست و ابتدا می‌تواند پول یکی از آن‌ها را

انتخاب کرده به قیمت روز بپردازد. اگر این اطلاع و نظر صحیح است مرقوم فرموده که این نظر مبارک مشکل مردم و دستگاه قضا را حل خواهد کرد.

مقام معظم رهبری در پاسخ این استفتا چنین مرقوم فرمودند:

به همان نحو که مرقوم فرموده‌اید صحیح است و به نظر می‌رسد ادای قیمت کنونی اجناس، امروزه کافی است، ولی به خاطر تردیدی که در باب حله موضوعاً و حکماً هست لازم است این جنس از محدوده محاسبه خارج باشد. [۳۹، ص ۱۰۶-۱۰۷]

پیرو این پاسخ، رئیس قوه قضائیه در نامه‌ای به وزیر دادگستری دستور داد که با تشکیل یک هیئت کارشناسی مرکب از سه نفر امین خبره نسبت به تعیین قیمت کنونی اجناس دیه اقدام کند. متن نامه یادشده به شرح ذیل است:

با اطلاع از نظر فقهی اخیر مقام منیع ولایت و رهبری حضرت آیه الله خامنه‌ای - مدظله العالی - در مسئله دیه مبنی بر اینکه: «درهم و دینار در جمع اعیان شش‌گانه به عنوان پول رایج زمان می‌باشد و در حقیقت جانی در انتخاب احد از اعیان چهار گانه یا قیمت سوقیه رائج مخیر است» مراتب جهت تعیین تکلیف با توجه به حاکمیت ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی و تبصره ذیل آن و رفع مشکل نسبی معضل مردم و قوه قضائیه طی شماره م/۱۹۴۶۷/۱۰/۸/۷۳ از محضر مبارک استفتاء و در پاسخ فرموده‌اند:

بسمه تعالی

با سلام و تحیت؛ به همان نحو که مرقوم فرموده‌اید صحیح است و به نظر می‌رسد ادای قیمت کنونی اجناس، امروزه کافی است، ولی به خاطر تردیدی که در باب حله موضوعاً و حکماً هست لازم است این جنس از محدوده محاسبه خارج باشد.

علیهذا با ارسال فتوای صادره لازم است به منظور حصول اطمینان در مورد نرخ اعیان انتخابی و فراهم شدن زمینه و امکان اعلام نرخ واحد و پرهیز از اختلاف فاحش قیم توسط محاکم مختلف برای تشکیل یک هیئت کارشناسی مرکب از سه نفر امین خبره اقدام فرمایید تا هر شش ماه یک بار در خصوص قیمت اعیان موجود با لحاظ این نکته که انتخاب افراد نوع نیز با جانی می‌باشد و نتیجتاً می‌تواند ارزان‌ترین را با لحاظ حفظ صدق عرفی انتخاب کند. اعلام نظر نموده و نظر اکثریت به صورت بخشنامه برای استفاد در مواردی که توافق اصحاب دعوی مقدور نیست به استحضار مراجع قضایی سراسر کشور برسد. [۳۲]

پیرو دستور رئیس قوه قضائیه، در هشتم فروردین ماه ۱۳۷۴ این بخشنامه از طرف وزیر دادگستری خطاب به رؤسای کل دادگستری صادر گردید:

در اجرای دستور شماره م/۱۲۲۶۳، مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۷ ریاست محترم قوه قضائیه در خصوص تعیین قیمت سوقیه اعیان احشام موضوع احکام دیات و ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی و با توجه به فتوای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای - مدظله العالی - با نظر هیأت کارشناسی از افراد خبره، ارزش اعیان احشام برای شش ماهه اول سال ۷۴ (۱/۱/۷۴ لغایت ۱۳۷۴/۶/۳۱) به شرح ذیل تعیین

می‌شود. دستور فرمایید به کلیه واحدهای قضایی آن استان در صورت عدم توافق اصحاب دعوا رعایت نمایند:

الف) ارزش ریالی دیه کامل بر اساس شتر: ۳۶/۲۵۰/۰۰۰ ریال؛

ب) ارزش ریالی دیه کامل بر اساس گاو: ۶۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال؛

ج) ارزش ریالی دیه کامل بر اساس گوسفند: ۹۲/۲۵۲/۰۰۰ ریال. [۳۶، ص ۲]

چنان‌که ملاحظه می‌شود، در این بخشنامه بر اساس فتوای مقام معظم رهبری، حله یمنی و درهم و دینار از شمار مقادیر دیه خارج و مقادیر دیه منحصر در شتر، گاو و گوسفند شده است که بدون اثبات متعذر بودن عین آن‌ها، می‌توان قیمت آن‌ها را پرداخت کرد و قیمت هم بر اساس نظر کارشناس هر شش ماه یک بار تعیین می‌شود. [۴۱، ص ۱۰۵]

با اصلاح قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ شیوه نگارش ماده قانونی مربوط به مقادیر دیه به طور کلی تغییر کرد و بدون نام بردن از اجناس شش‌گانه دیه، در ماده ۵۴۹ این قانون چنین مقرر شد:

موارد دیه کامل همان است که در مقررات شرع تعیین شده است و میزان آن در ابتدای هر سال توسط رییس قوه قضاییه به تفصیل بر اساس نظر مقام معظم رهبری تعیین و اعلام می‌شود.

در این ماده قانونی در ظاهر نامی از درهم و دینار به میان نیامده و صورت مسئله پاک شده است، ولی در واقع با ارجاع به مقررات شرع، همان مقادیر شش‌گانه مذکور در منابع فقهی، مبنای پرداخت دیه قرار گرفته است.

گفتنی است، در باب‌های متعددی از فقه اسلامی، از جمله کتاب طهارت، کتاب زکات و کتاب دیات از دو سکه رایج در صدر اسلام، یعنی درهم و دینار سخن به میان آمده است و این دو نقد اسلامی معیار پرداخت کفاره‌ها، خسارت‌ها و مالیات‌های شرعی قرار گرفته‌اند. بنابراین، شناخت دقیق نقود یاد شده برای تعیین بسیاری از احکام شرعی ضروری است. به ویژه در عصر حاضر که درهم و دینار با ویژگی‌های عصر تشریح، وجود خارجی ندارند و مبنایی برای پرداخت‌های روزمره نیستند.

با توجه به آنچه گفته شد، در مقاله حاضر، پس از بررسی اجمالی تاریخ تحولات درهم و دینار و نسبت‌های موجود میان این دو نقد اسلامی، دیدگاه چند تن از فقهای عظام شیعه در مورد ضرورت توجه به نسبت‌های موجود میان این دو نقد در مباحث فقهی بررسی شده است و در پایان نیز به چگونگی اجرای احکامی که در آن‌ها به گونه‌ای از درهم و دینار به عنوان یک ملاک یا مبنا برای پرداخت دیون شرعی سخن به میان آمده است، پرداخته‌ایم.

۱. آشنایی با دو نقد اسلامی

تا قبل از ضرب سکه در دوران اسلامی آنچه در بین اعراب رواج داشته سکه‌های طلا و نقره‌ای بوده که از سرزمین‌های مختلف، و از جمله ایران و روم، به دستشان می‌رسیده است. آن‌ها سکه‌های نقره را به اسم «درهم» و سکه‌های طلا را به اسم «دینار» می‌شناختند و گاه نیز از سکه‌های طلا تعبیر به «عین» و از سکه‌های نقره تعبیر به «ورق» می‌کردند، البته سکه‌های مسی نیز در بین آن‌ها رواج داشت که به آن‌ها «دائق» می‌گفتند.

مبنای ارزش این سکه‌ها برای اعراب آن زمان وزن مشخص آن‌ها بود؛ به عبارت دیگر در نظر آن‌ها «دینار» قطعه‌ای از طلا به وزن یک مثقال بود که تنها نقشی از سلطان و پادشاهی که آن را ضرب کرده بود بدان اضافه شده بود و «درهم» نیز مقدار معینی نقره بود. [۱۸، ج ۱، ص ۱۴۰؛ ۲۹، ج ۷، ص ۴۹۵؛ ۲، ص ۲۱۰]

در اینجا، برای آشنایی بیشتر با این نقود، در مورد هر یک به طور جداگانه مطالبی را بیان می‌کنیم:

۱-۱. درهم

چنانکه گفته شد، دراهمی که در میان اعراب رایج بود، از سرزمین‌های مختلف به دست آن‌ها می‌رسید. افزون بر این، درهم‌های رایج در میان مردم، وزن‌های یکسانی نیز نداشتند. چنانکه تاریخ‌نویسان گفته‌اند، حداقل سه نوع درهم در میان اعراب آن زمان رایج بوده که عبارت بوده‌اند از:

۱. درهم‌هایی که هر یک از آن‌ها معادل یک مثقال و یا بیست قیراط^۱ بوده است، و به عبارت دیگر هر ده درهم از این نوع دقیقاً معادل ده مثقال بوده است.

۲. درهم‌هایی که هر یک از آن‌ها معادل $\frac{۰}{۶}$ مثقال و یا ۱۲ قیراط بوده است، که بدین ترتیب می‌توان گفت هر ده درهم از این نوع برابر با ۶ مثقال بوده است.

۳. درهم‌هایی که وزن هر یک سکه آن‌ها $\frac{۰}{۵}$ مثقال و یا ۱۰ قیراط بوده است، و هر ده عدد از آن‌ها معادل ۵ مثقال بوده است. [۴۵۱، ص ۵]

چنانکه ابوالحسن بلاذری (م ۲۹۷ ق.) در *فتوح البلدان* نقل کرده است، با ظهور اسلام از آنجا که نیاز بود مبنای واحدی برای پرداخت زکات تعیین شود، حدّ متوسطی از درهم‌های موجود را در نظر گرفتند و آن را به عنوان وزن درهم تعیین نمودند.

۱. هر قیراط تقریباً معادل سه دانه جو متوسط است. (نک: ۴۲، ج ۴۳، ص ۱۷۷)

به عبارت دیگر مسلمانان با جمع نمودن سه وزن متفاوت درهم که در آن زمان موجود بود و تقسیم آن بر سه، حاصل آن را که ۱۴ قیراط برای هر درهم و ۷ مثقال برای هر ده درهم می‌شد، مبنای ضرب سکه قرار دادند. [۱۵، ج ۱، ص ۶۴]

البته باید گفت که در سال‌های اولیه ظهور اسلام همان اوزان و مقادیری که تا پیش از آن رایج بود، رواج داشت تا اینکه در زمان خلیفه دوم به جهت گسترش قلمرو حکومت اسلامی نیاز بیشتری به ضرب سکه احساس شد و سرانجام در سال ۱۸ بعد از هجرت، شخصی یهودی به نام «رأس البغل» به دستور عمر بن خطاب اقدام به ضرب سکه نمود.

کمال الدین الدّمیری (م ۸۰۸ ق.) در *حیة الحیوان* نقل می‌کند که بر درهم ضرب شده در زمان خلیفه دوم همان نقش سکه کسروی، یعنی تصویر پادشاه و عبارت فارسی «نوش خور»، زده شده بود. [۱۵، ج ۱، ص ۶۴؛ ۱۸، ص ۱۴۲-۱۴۳] و تقی‌الدین مقریزی (متوفی ۸۴۵ ق.) در کتاب خود، *شذور العقود فی ذکر النقود*، این نکته را نیز اضافه می‌کند که بر بعضی از این سکه‌ها عباراتی چون «الحمد لله»، و «محمد رسول الله» و یا «لا إله إلا الله وحده» نیز نقش بسته بود. [۳۷، ص ۹]

در مورد وزن این درهم که در دوران اسلامی به «درهم بعلی» معروف گشت، بحث‌های زیادی از سوی فقهای اسلام مطرح شده است، [۱۰، ج ۱، ص ۲۵۷] ولی به اجمال می‌توان گفت مطابق نقل مقریزی، در اواخر دوران خلافت خلیفه دوم هر ده درهم از این نوع معادل شش مثقال بوده است. [۳۷، ص ۸]

پس از خلیفه دوم کسان دیگری نیز اقدام به ضرب سکه نمودند که از جمله آنان می‌توان به عثمان بن عفان، معاویة بن ابی‌سفیان، عبدالله بن زبیر و... اشاره کرد. [۳۷، ص ۸] البته هیچ‌کدام از سکه‌هایی که آنان ضرب کردند، به نحو فراگیری رواج نیافت و نتوانست به رواج فراوان سکه‌های مختلف رومی و ایرانی در بین مردم پایان دهد. تا اینکه در حدود سال ۷۶ و یا ۷۷ ق.، خلیفه اموی، عبدالملک بن مروان (۲۶ - ۸۶ ق.) به منظور پایان دادن به وضع آشفته ضرب سکه، به اصلاح دراهم موجود و تثبیت وزن آن‌ها اقدام کرد. [۱۴، ج ۹، ص ۳۷۰؛ ۱۶، ج ۷، ص ۹۴۱۶]

بنابر نقل دمیری او با ارشاد و راهنمایی امام محمدباقر - علیه السلام - میانگین وزن دراهم موجود را تعیین و بر همین اساس درهمی ضرب کرد که هر ده عدد از آن معادل با هفت مثقال بود. سپس فرمان داد که در سرتاسر ممالک اسلامی تنها با این درهم معامله شود و تهدید کرد که هر کس با این فرمان مخالفت کند به قتل می‌رسد. [۱۵، ج ۱، ص ۶۳-۶۴]

مورخان در این موضوع اتفاق نظر دارند که وزن هر درهم مسکوک در زمان عبدالملک برابر با شش دانق بوده است. [۳۷، ص ۱۳؛ ۲، ص ۲۱۰] اگر هر دانق را دو پنجم گرم بدانیم، [۶، ص ۲۸۳] می‌توان گفت هر درهم برابر با ۲/۴ گرم بوده است. از زمان عبدالملک به بعد همین درهم مبنای تقادیر شرعی قرار گرفت و بنابراین می‌توان گفت که کلمات امام محمدباقر و امام جعفرصادق - علیهماالسلام - نیز ناظر بر این نوع درهم است. [۲۸، ج ۵، ص ۱۱۳-۱۱۴؛ ۳۸، ج ۱، ص ۲۹۳] از این رو در موارد مختلفی که در روایات این دو امام، ذکری از درهم به میان آمده است، باید آن را بر درهم شش دانقی حمل کنیم.

فقه‌های شیعه غالباً مقدار درهم شرعی را همان شش دانق می‌دانند و حتی بر آن ادعای اجماع نیز شده است. [۲۷، ج ۳، ص ۸۸؛ ۴۲، ج ۱۵، ص ۱۷۴] البته فقهای متأخر بیشتر درهم را با «نخود» تعیین وزن کرده و گفته‌اند که هر درهم معادل ۱۲/۶ نخود است، [۱۳، ج ۲، ص ۱۸۷] بنابراین، اگر هر نخود را با ۰/۱۹۵۳ گرم برابر بدانیم^۱ هر درهم معادل ۲/۴۶۰۷ گرم خواهد بود. [۴۴، ص ۳۷]

در پایان این نکته را هم اضافه می‌کنیم که واژه درهم، چنانکه اهل لغت گفته‌اند، در اصل عربی نبوده و از سایر زبان‌ها به این زبان وارد شده است. البته در اینکه این واژه در اصل از چه زبانی گرفته شده است، نظر مشترکی بین اهل لغت وجود ندارد. گروهی اصل آن را کلمه فارسی «درم» می‌دانند، [۱، ج ۱۲، ص ۱۹۹؛ ۱۷، ج ۸، ص ۲۸۹؛ ۲۵، ج ۲، ص ۲۸] و گروهی نیز کلمه یونانی «دراخمه» را به عنوان ریشه آن ذکر می‌کنند. [۲۰، ج ۱، ص ۳۳۲؛ ۱۴، ج ۷، ص ۶۷۰] البته گروهی از اهل لغت نیز درهم را واژه‌ای عربی و دارای ریشه و سابقه در همین زبان می‌دانند. [۳۰، ج ۱، ص ۲۳۳]

۲-۱. دینار

چنانکه پیش از این نیز گفته شد، «دینار» سکه‌ای بوده است از جنس طلا که از پیش از اسلام در میان اعراب رواج داشته و معمولاً از کشورهای چین و ایران به دست اعراب می‌رسیده است.

واژه دینار در اصل کلمه‌ای لاتین و مشتق از «Deni» (دینی) به معنای ده است. [۲۹، ج ۷، ص ۴۹۵] وجه اشتقاق کلمه یاد شده نیز این بوده است که در بین رومیان

۱. چنانکه در این کتاب آمده است، هر «نخود» تا قرن نهم هجری معادل ۱۸/۰ گرم بوده است که بدین ترتیب هر درهم معادل ۲۶۸/۲ گرم خواهد شد.

دینار ابتدا از جنس نقره و معادل با ده واحد پولی نقره (آس و یا درهم) ضرب شده بود، و بعدها این سکه را از جنس طلا ضرب کردند، و به تدریج دینار نقره‌ای از جریان خارج شد. [۱۸، ج ۱، ص ۱۴۱]

ایرانیان نیز به تقلید از رومیان به ضرب سکه‌ای از طلا به همین نام اقدام کردند که به «دینار کسروی» معروف شد. [۳۷، ص ۶۱ - ۶۲]

در هر حال، تا پیش از اسلام دو نوع دینار در بین اعراب رایج بوده است: یکی دینار رومی که به آن «دینار هرقلی» می‌گفتند و دیگری دینار فارسی (ایرانی) که به آن «دینار کسروی» می‌گفتند. البته دینار هرقلی در بین اعراب طرفداران بیشتری داشت؛ زیرا این دینار از جلا و درخشندگی بیشتری برخوردار بود و زیبایی و درخشش آن برای اعراب ضرب المثل شده بود. [۲۹، ج ۷، ص ۴۹۵؛ ۱۸، ج ۱، ص ۱۴۱]

ناگفته نماند که جلا و درخشندگی سکه‌ها از آن رو در نزد اعراب اهمیت داشت که آن‌ها به سکه‌ها تنها به دید قطعه‌ای از فلزی گرانبها می‌نگریستند و بر همین اساس هم با آن‌ها معامله می‌پرداختند. چنانکه بلاذری پس از بیان نقود رایج در میان اعراب می‌گوید:

آن‌ها با این نقود معامله نمی‌کردند مگر به عنوان قطعه‌ای از طلا یا نقره. [۵، ص ۴۵۱]

از همین رو اعراب ارزش نقود رایج در میان خود را با وزن آن‌ها تعیین می‌کردند و در نظر آن‌ها دینار تنها یک مثقال طلا بود که به صورت سکه درآمده و وزن آن مضبوط شده بود. [۵، ص ۴۵۳؛ ۱۸، ج ۱، ص ۱۴۰]

از بررسی کتاب‌های فقهی، تاریخی و کتاب‌هایی که در زمینه اوزان و مقادیر نوشته شده است، چنین برمی‌آید [۳۳، ص ۱۳۳؛ ۳۷، ص ۵۹؛ ۴۳، ج ۶، ص ۷] که وزن دینار برخلاف درهم از آنچه در زمان جاهلیت بوده تغییر نیافته و در تمام طول دوران اسلامی ثابت مانده است. چنانکه شیخ یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶ ق.) در کتاب *الحدائق الناضرة* می‌گوید:

در بین فقهای شیعه و غیرشیعه، در اینکه وزن دینار همواره ثابت بوده و چه در دوران جاهلیت و چه در دوران اسلامی تغییری نیافته است، اختلافی وجود ندارد و گروهی از علمای دو مذهب نیز بر این مطلب تصریح کرده‌اند. [۳، ج ۱۲، ص ۸۹؛ ۴۲، ج ۱۵، ص ۱۷۵؛ ۷، ج ۶، ص ۱۰۱]

در هر حال، مطابق آنچه بین فقها مشهور شده، هر دینار معادل یک مثقال شرعی است که آن $\frac{3}{4}$ مثقال صیرفی و برابر با ۱۸ نخود است. [۱۰، ج ۹، ص ۱۱۷؛ ۲۷، ج ۳، ص ۸۸؛ ۳۳، ص ۱۱۱-۱۱۷] که اگر هر نخود را برابر $\frac{0}{1953}$ گرم بدانیم، هر مثقال شرعی برابر با $\frac{3}{5154}$ گرم خواهد بود.

گفتنی است، مرحوم علامه شیخ حیدر قلی سردار کابلی (م ۱۳۷۲ ق) در کتاب *غایة التعديل في معرفة الاوزان و المقادير ضمن پژوهشی* که در مورد وزن حقیقی درهم و دینار شرعی کرده، بیان داشته است که به استناد روایت وارد شده از موسی بن جعفر - علیهما السلام - هر درهم معادل ۷۲ جو متوسط است که این مقدار معادل ۵/۱۵ نخود صیرفی فعلی است و چون هر درهم هفت دینار شرعی است، پس دینار شرعی مساوی است با $\frac{1}{7} \times 22 = 3.14$ نخود صیرفی نه ۱۸ نخود که فقها فرموده‌اند.

بنابراین، به حساب ایشان هر درهم معادل ۳ گرم و مثقال شرعی تقریباً معادل $\frac{2}{4}$ گرم خواهد بود. البته ایشان اضافه می‌کند که خود، درهم و دیناری یافته است که در همان زمان صدور روایت مزبور ضرب شده و وزن آن‌ها درست معادل وزن تعیین شده توسط ایشان بوده است. [۱۹، ص ۱۴ به بعد]

۲. بررسی نسبت‌های موجود میان درهم و دینار

موضوع دیگری که لازم است که در اینجا بدان پرداخته شود، مسئله ارتباط میان درهم و دینار و نسبت موجود میان این دو سکه در ادوار مختلف است.

درهم و دینار چه پیش از اسلام و چه بعد از آن، همواره با یکدیگر نسبت داشته و یکی تابع دیگری به شمار می‌آمده است. این نسبت هم از نظر وزن و هم از نظر ارزش برقرار بوده است.

در اینجا این دو نسبت را به تفکیک بررسی می‌کنیم تا دو موضوع به روشنی معلوم گردد؛ نخست اینکه این دو نقد رایج به چه نسبت با هم در حال تعادل بوده‌اند و دوم اینکه در برقراری این نسبت معمولاً کدامیک از این دو، تابع دیگری بوده است.

۲-۱. نسبت از نظر وزن

چنانکه پیش از این گذشت، در دوران جاهلیت و حتی در اوایل ظهور اسلام درهم‌هایی با وزن‌های متفاوت از خارج از جزیره العرب بدین سرزمین وارد می‌شد و در آنجا رواج می‌یافت و اعراب به منظور دستیابی به معیاری واحد برای ارزش‌گذاری این درهم‌ها همواره با در نظر گرفتن دینار، یعنی وزن یک مثقال طلا که معیاری ثابت و غیرقابل تغییر برای آن‌ها بود، این دو را به نسبتی معین با هم به تعادل می‌رساندند که معمولاً این نسبت، بسته به نوع درهم، از ۵ تا ۱۰ مثقال طلا (دینار) در برابر ده درهم در نوسان بود.

درهم و دینار برای اعراب مفهوم دیگری غیر از دو نقد رایج نیز داشت؛ برای آن‌ها درهم و دینار دو مقیاس تعیین وزن برای مبادله طلا و نقره نیز به شمار می‌آمد که از این نظر این دو مقیاس همواره به یک نسبت با هم در حال تعادل بوده‌اند، به عبارت دیگر، میان دینار و درهم - آنجا که به عنوان معیار سنجش وزن مطرح بوده‌اند - نسبت تعادلی هفت به ده همواره ثابت بوده است.

چنانکه ابوالحسن بلاذی در این باره می‌نویسد:

در بین قریش در زمان جاهلیت، اوزانی متداول بود که اسلام نیز همان‌ها را بی‌هیچ تغییری پذیرفت. قریش به وزن معینی از نقره، درهم و به وزن معینی از طلا، دینار می‌گفت که هر ده درهم، خود با هفت دینار مساوی می‌شد. [۵، ص ۴۵۳]

این مورخ اسلامی در جایی دیگر از کتاب *فتوح البلدان* می‌گوید:

... در زمان جاهلیت در نزد اهل مکه، مثقال، وزنی شناخته شده و اندکی کمتر از ۲۲ قیراط بود، و در همین زمان هر ده درهم برابر با هفت مثقال می‌شد. [۵، ص ۴۵۲]

تقی‌الدین مقریزی نیز در پاسخ این پرسش که چرا اعراب درهم و دینار را به نسبت یادشده با یکدیگر معادل ساخته بودند، می‌نویسد:

اعراب از این رو وزن هر ده درهم را معادل وزن هفت مثقال طلا قرار دادند که طلا نسبت به نقره سنگین‌تر است و وزن [حجمی] بیشتری دارد. [اعراب به این مطلب بدین‌گونه پی بردند که] مشاهده کردند اگر از هر کدام از طلا و نقره به اندازه دانه‌ای انتخاب و وزن کنند، هر دانه از طلا به میزان سه هفتم از یک دانه نقره سنگین‌تر خواهد بود، به همین خاطر آنان هر ده درهم را معادل هفت مثقال قرار دادند. [۳۷، ص ۱۴]

در هر حال، این نکته مسلم است که همواره میان وزن درهم و دینار به یک نسبت تعادل برقرار بوده است و اعراب جاهلی و مسلمانان در ادوار مختلف با ثابت نگهداشتن مقیاس دینار (یا مثقال) درهم را با آن متعادل می‌ساخته‌اند.

امروزه نیز این تعادل میان وزن درهم و دینار از سوی همه فقها پذیرفته شده و اکثر آن‌ها نسبت تعادلی هفت به ده را میان دینار و درهم پذیرفته‌اند. از همین روست که می‌بینیم اگر هر درهم را معادل $12/6$ نخود و یا $2/46$ گرم بدانیم، ده عدد از آن‌ها برابر با 126 نخود و یا $24/6$ گرم خواهد بود که این برابر است با وزن هفت دینار که هر یک از آن‌ها معادل 18 نخود و یا $3/51$ گرم است.

۲-۲. نسبت از نظر ارزش

چنانکه از روایات و سخنان فقها برمی‌آید، در عصر صدور روایات، ارزش درهم و دینار را

نیز با یکدیگر می‌سنجیدند و قیمت و ارزش طلا (دینار) در آن زمان با درهم که نقدی رایج‌تر بوده، تعیین می‌شده است. بررسی روایات باب زکات و دیات این نکته را بیشتر روشن‌تر می‌سازد. از این رو در اینجا به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

نخستین روایت صحیحه عبدالرحمن بن الحجاج از امام صادق - علیه السلام - است که در باب دیات وارد شده و در قسمتی از آن، چنین آمده است:

... الدَّيَّةُ الْفُ دِينَارٍ وَ قِيمَةُ الدِّينَارِ عَشْرَةُ دَرَاهِمٍ... [۷، ج ۱۹، ص ۱۴۲، ح ۱]

... مقدار دیه هزار دینار و ارزش هر یک دینار نیز ده درهم است.

در باب زکات نیز به روایاتی برخورد می‌کنیم که وجود نسبت ارزشی میان درهم و دینار به خوبی از آن‌ها استفاده می‌شود. از جمله آن‌ها می‌توان به صحیحه محمد بن مسلم و صحیحه حلبی اشاره کرد که فقها نیز در مورد آن‌ها بحث‌های زیادی کرده‌اند. در اینجا ابتدا متن دو حدیث مزبور را نقل می‌کنیم و بعد از آن به آنچه فقها در شرح و بررسی این دو حدیث گفته‌اند، اشاره می‌کنیم.

در صحیحه محمد بن مسلم ملاحظه می‌کنیم که وقتی راوی از امام صادق - علیه السلام - می‌پرسد که به چه مقدار طلا زکات تعلق می‌گیرد، آن حضرت در پاسخ می‌فرماید:

إِذَا بَلَغَ قِيمَتُهُ مِائَتِي دَرَاهِمٍ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ. [۷، ج ۶، ص ۹۲، ح ۲]

هر زمان که قیمت طلا به دویست درهم رسید به آن زکات تعلق می‌گیرد.

در صحیحه حلبی نیز که آن هم از امام ششم شیعیان روایت شده است، می‌بینیم آن حضرت در پاسخ شخصی که از ایشان می‌پرسد: «کمترین مقداری از طلا و نقره که به آن زکات تعلق می‌گیرد چقدر است؟» می‌فرماید:

مِائَتَا دَرَاهِمٍ وَ عَدْلُهَا مِنَ الذَّهَبِ. [۷، ج ۶، ص ۹۲، ح ۱]

[این مقدار] دویست درهم [از نقره] و معادل آن از طلاست.

از آنجا که نصاب زکات طلا در این دو روایت به جای بیست دینار که در سایر روایات آمده است، دویست درهم تعیین شده است، فقها و محدثان بسیاری در مقام توجیه این اختلاف گفته‌اند که در آن زمان‌ها قیمت هر یک دینار طلا، ده درهم نقره بوده است و از این رو امام - علیه السلام - در این دو روایت در بیان نصاب طلا (دینار) گفته است «هرگاه قیمت آن به دویست درهم رسید به آن زکات تعلق می‌گیرد» که این مبلغ در آن زمان هیچ تفاوتی با بیست درهم نداشته است.

تعدادی از فقها و محدثانی که بر این موضوع تصریح کرده‌اند، عبارت‌اند از: محقق حلی [۹، ج ۲، ص ۵۲۵]، علامه حلی [۸، ج ۱، ص ۴۹۲]، سید محمد عاملی [۲۸، ج ۵،

ص ۱۱۰]، شیخ حر عاملی [۷، ج ۶، ص ۹۲]، مولی محمدباقر مجلسی [۳۵، ج ۱۶، ص ۳۲]، شیخ محمدحسن نجفی [۴۲، ج ۱۵، ص ۱۷۰]، حسینعلی منتظری [۳۸، ج ۱، ص ۲۸۷] و علاءالدین الکاظمی، [۳۱، ج ۲، ص ۱۸].

از ملاحظه این روایات و کلمات فقها به خوبی روشن می شود که در زمان صدور روایات، قیمت و ارزش طلا (دینار) به وسیله درهم تعیین می شده و میان ارزش این دو به نسبت یک به ده ($\frac{1}{10}$) معادله برقرار بوده است؛ و ائمه اطهار - علیهم السلام - نیز با توجه به این معادله به بیان تقدیرات شرعی می پرداخته اند.

البته ناگفته نماند که بررسی های تاریخی نیز وجود این نسبت ارزشی میان درهم و دینار را به اثبات می رساند. [۱۸، ج ۱، ص ۱۴۰]

با توجه به مطالب یادشده می توان گفت وجود یک نسبت ارزشی و یک نسبت وزنی بین درهم و دینار در زمان صدور روایات امری مسلم است و باید توجه داشت که معادله موجود میان این دو سکه اگرچه تا پیش از اصلاحات پولی عبدالملک بن مروان و پیدایش یک نظام پولی واحد در سراسر امپراتوری اسلامی نیز برقرار بوده است، ولی از آن زمان به بعد با جانشینی کامل درهم و دینار اسلامی به جای درهم نقره ساسانی و دینار طلای رومی (بیزانسی) و اتحاد دو نظام پولی قدرتمند آن عصر در نظام پولی اسلامی این معادله مستحکم تر شد و ثبات بیشتری یافت. [۱۱، ص ۱۹۴-۱۹۵]

بنابراین جای هیچ تردیدی باقی نمی ماند که در زمان صادقین - علیهما السلام - به دلیل تقارن عصر ایشان با اصلاحات پولی عبدالملک، نسبت های موجود میان درهم و دینار به طور کامل تثبیت شده بوده است، و این دو امام بزرگوار - علیهما السلام - در بیان تقدیرات شرعی این نسبت ها را لحاظ می کرده اند.

۳. درهم و دینار در عصر حاضر

از بررسی نسبت های موجود میان درهم و دینار، مطالب مختلفی برای ما روشن می شود که در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۳-۱. مقدار واقعی دیه نفس

علت اینکه در بیشتر روایات باب دیات، هزار دینار و ده هزار درهم در عرض هم به عنوان دیه نفس تعیین شده اند، به جهت همین نسبتی بوده که در زمان صدور روایات

میان درهم و دینار وجود داشته است. به عبارت دیگر، بدین جهت در آن زمان ده هزار درهم به عنوان دیه نفس مقرر شده است که از نظر ارزش با هزار دینار برابر بوده است. البته تنی چند از فقها و محدثان بزرگ شیعه نیز به این موضوع توجه کرده و در سخنان خود به آن پرداخته‌اند، که در اینجا به سخنان بعضی از آنان اشاره می‌کنیم:

سید محمد عاملی (م ۱۰۰۹ ق.) در این باره می‌گوید:

بنا بر آنچه فقهای شیعه و غیر شیعه بر آن تصریح کرده‌اند، در زمان صدور روایات قیمت هر دینار ده درهم بوده است، و به همین جهت نیز شارع در ابواب دیات و جنایات اشخاص مکلف را در پرداخت [مقادیر مشخص شده از] درهم و دینار مخیر دانسته و هر دو را یکسان قرار داده است. [۲۸، ج ۵، ص ۱۱۰ - ۱۱۱]

علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ ق.) نیز در این مورد می‌نویسد:

باید دانست که این روایت [یعنی صحیحه عبدالرحمن بن الحجاج] و سایر روایات مشابه آن دلالت بر این دارند که در پرداخت دیه دینار اصل است. و مقدار مشخص شده از درهم در واقع قیمت آن به حساب می‌آید ... [۳۵، ج ۲۱، ص ۲۵]

شیخ محمدحسن نجفی، صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ ق.) نیز در کتاب زکات در بیان این موضوع که چرا در بعضی از روایات نصاب طلا را به جای بیست دینار دویست درهم تعیین کرده‌اند، می‌نویسد:

[این گونه تقدیر از آن رو صورت گرفته است که]، مطابق آنچه گفته شده، در زمان صدور روایات هر دینار با ده درهم برابر بوده و تقدیر دیه نیز بر همین اساس صورت گرفته است. [۴۲، ج ۱۵، ص ۱۷۰]

ملاحظه نمودید که فقها نیز این موضوع را پذیرفته‌اند که تعیین ده هزار درهم به عنوان دیه نفس به این دلیل صورت گرفته است که در آن زمان‌ها هر یک دینار ده درهم ارزش داشته و در نتیجه هزار دینار برابر با ده هزار درهم می‌شده است. البته باید توجه داشت که روایاتی هم وجود دارد که در آن‌ها به جای ده هزار درهم دوازده هزار درهم به عنوان دیه نفس تعیین شده و در عرض هزار دینار قرار گرفته است، [۷، ج ۱۹، ص ۱۴۴، ج ۹ و ۱۰؛ ص ۱۴۶، ج ۱] ولی شاید بتوان اختلاف بین روایات را بدین گونه توجیه کرد که چون در زمان‌ها یا مکان‌های مختلف نرخ برابری دینار و درهم تفاوت داشته و نسبت ارزشی آن‌ها گاه به یک دوازدهم می‌رسیده است، به همین دلیل امامان معصوم - علیهم السلام - در روایات خود با توجه به نسبت ارزشی که در هر زمان یا مکان میان دینار و درهم برقرار بوده است، مقدار متفاوتی از درهم را به عنوان دیه نفس تعیین می‌کرده‌اند. در نتیجه، زمانی که نسبت ارزشی دینار و درهم یک به دوازده بوده است، مقدار

دیه نفس نیز دوازده هزار درهم تعیین می‌شده است. این مطلب با متون تاریخی نیز مطابقت دارد [۱۸، ج ۱، ص ۱۴۰] و با عبارتی که شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق.) در توجیه این دسته از روایات بیان کرده است، تأیید می‌شود. ایشان در این زمینه می‌نویسد:

حسین بن سعید و احمد بن محمد بن عیسی هر دو گفته‌اند: از اصحاب ما روایت شده که تعیین دوازده هزار درهم به‌عنوان دیه، مربوط به درهمی است که هر ده عدد آن معادل شش [مقال] باشد [نه درهم مشهور و متداول که هر ده عدد آن معادل هفت مقال است]. بدین ترتیب این مقدار (دوازده هزار درهم) به ده هزار درهم بر خواهد گشت و تعارض بین روایات از بین می‌رود. [۲۶، ج ۱۰، ص ۱۶۲]

توجهات دیگری نیز در مورد این‌گونه روایات مطرح شده است که در اینجا به دلیل رعایت اختصار از بیان آن‌ها خودداری می‌کنیم. [۴۲، ج ۴۳، ص ۱۱؛ ۷، ج ۱۹، ص ۱۴۴؛ ۱۳، ج ۲، ص ۱۸۹؛ ۱۲، ج ۶، ص ۱۶۹]

با توجه به مطالب یادشده، می‌توانیم بگوییم که در عصر ما به دلیل از بین رفتن نسبت ارزشی یک‌به‌ده که پیش از این میان درهم و دینار وجود داشته [۲۱، ص ۱۳۷-۱۴۷؛ ۴۱، ص] و باعث تعیین ده هزار درهم به‌عنوان یکی از مقادیر دیه نفس و در عرض هزار دینار شده بوده است، دیگر نمی‌توان همچون گذشت این دو مقدار را به یکسان به‌عنوان بدل و مقابل مالی نفس انسان محسوب داشت و دست جانی را در انتخاب هرکدام از آن‌ها باز گذاشت. [۴۰، ص ۹۵] بلکه باید هم چنانکه در گذشته عمل می‌شده است، دینار (مسکوک طلا) را ملاک قرار دهیم و مقابل مالی نفس انسان را در این زمان تعیین کنیم.

گفتنی است، تا پیش از صدور بخشنامه وزیر وقت دادگستری به رؤسای کل دادگستری‌های سراسر کشور در تاریخ هشتم فروردین ۱۳۷۴ که در آن بر اساس فتوای مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله العالی، درهم و دینار به دلیل تعذر پرداخت عین آن‌ها از شمار مقادیر شش‌گانه دیات حذف شدند، دادگاه‌ها، دیه را بر اساس درهم، حداکثر تا ۸ میلیون ریال تعیین می‌کردند، درحالی‌که در همان زمان اگر می‌خواستند بر اساس دینار (هزار مقال طلا) به تعیین دیه بپردازند، مبلغ دیه چیزی حدود ۵۰ میلیون ریال می‌شد؛ یعنی بیش از شش برابر مبلغ پیشین.

۲-۳. مقدار واقعی مهر السنّة

بر اساس نظر مشهور میان فقها، مهر السنّة یا همان مهریه حضرت فاطمه زهرا - علیهاالسلام - پانصد درهم نقره بوده است. در روایتی که از امام صادق - علیه‌السلام - نقل شده است در این زمینه چنین می‌خوانیم:

كَانَ صِدَاقُ النِّسَاءِ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أُوقِيَةً وَنَشَأَ قِيَمَتُهَا مِنَ الْوَرَقِ خَمْسُ مِائَةِ دِرْهَمٍ. [۷، ج ۱۵، ص ۸، ح ۹]

مهریه زنان در زمان پیامبر اسلام که درود خدا بر او و خاندانش باد، دوازده اوقیه و نیم بود که ارزش آن بر اساس پول نقره پانصد درهم بود.

آن حضرت در روایت دیگری در این زمینه می‌فرماید:

مَا زَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَيْئاً مِنْ بَنَاتِهِ وَلَا تَزَوَّجَ شَيْئاً مِنْ نِسَائِهِ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أُوقِيَةً وَنَشْءٍ، وَالْأُوقِيَةُ أَرْبَعُونَ وَالنَّشْءُ عِشْرُونَ دِرْهَمًا. [۷، ج ۱۵، ص ۸، ح ۹]

رسول خدا که درود خدا بر او و خاندانش باد، هیچ یک از دخترانش را به همسری کسی نداد و هیچ از زنانش را به همسری برنگزید، مگر آنکه مهریه او حداکثر دوازده اوقیه و نیم بود که هر اوقیه برابر چهل درهم و هر نیم اوقیه برابر با بیست درهم بود.

براساس روال موجود در جامعه ما برای تعیین مهر السنّه به نرخ امروز، معادل وزنی پانصد درهم نقره را قیمت‌گذاری می‌کنند و آن را به‌عنوان مبنای پرداخت این نوع مهریه قرار می‌دهند. برخی از حقوق‌دانان کشورمان در این زمینه می‌نویسند:

مهر سنت یا مهر السنّه، مهری است که پیامبر خدا برای دخترش تعیین کرد. این مهر پانصد درهم بود که معادل است با ۲۶۲/۵ مثقال پول نقره مسکوک به مثقال صیرفی (هر مثقال، ۲۴ نخود) که اگر هر مثقال را شش صد ریال حساب کنیم، به پول امروز ۱۵۷/۵۰۰ ریال خواهد شد. [۲۴، ص ۱۵۲]

چنانکه ملاحظه می‌شود، بر اساس این نوع محاسبه، هیچ توجهی به معادله‌ای که در عصر تشریح میان درهم و دینار وجود داشته است، توجه نمی‌شود و صرفاً با مبنا قرار دادن درهم، مبلغ مهر السنّه را تعیین می‌کنند و درنهایت به مبلغی می‌رسند که در شرایط اقتصادی عصر حاضر، بسیار ناچیز است. درحالی‌که اگر بر اساس معادله‌ای که همواره میان ارزش درهم (نقره) و دینار (طلا) وجود داشته است، به تعیین معادل ریالی مهر السنّه پرداخته شود، این مبلغ بسیار متفاوت خواهد بود؛ زیرا ۵۰۰ درهم برابر ۵۰ دینار یا پنجاه مثقال شرعی طلاست و این مقدار برابر با ۳۷/۵ مثقال صیرفی طلاست. اگر هر مثقال صیرفی را برابر ۴/۶۰۸۳ گرم بدانیم، این مقدار طلا معادل ۱۷۲/۸۱۱ گرم خواهد بود. با توجه به اینکه هر سکه تمام بهار آزادی طرح جدید برابر با ۸/۱۳۳ گرم است، مقدار طلای یادشده (مهر السنّه) از نظر وزن برابر خواهد بود با ۲۱/۲۴۸ سکه تمام بهار آزادی طرح جدید.

نتیجه

بررسی تاریخ تحولات درهم (پول نقره) و دینار (پول طلا) و نسبت‌های موجود میان این

دو در اعصار مختلف، نشان می‌دهد که در زمان صدور روایات معصومین - علیهم السلام -، میان این دو نقد اسلامی یک معادله ارزشی و وزنی وجود داشته است و آن‌ها به یک نسبت با هم برابر بوده‌اند. این نسبت از نظر ارزش معمولاً یک به ده بوده و ده درهم نقره با یک دینار طلا برابر بوده است.

بر اساس همین معادله بوده است که در ابواب مختلف فقه، دیون و تعهدات شرعی افراد اعم از کفارات، زکات و دیات، گاه با دینار و گاه با درهم تقدیر شده است، بی‌آنکه در اصل میزان دین و تعهدی که به عهده افراد آمده است، تغییری ایجاد شود. برای نمونه در باب دیات، دیه کامل مرد مسلمان هزار دینار یا ده هزار درهم تعیین شده است که این دو مبلغ در عصر تشریح و در جامعه آن روز کاملاً با هم برابر بوده‌اند.

بنابراین، در عصر حاضر که نسبت ارزشی یک‌به‌ده که پیش‌ازین میان درهم و دینار برقرار بوده، از بین رفته است، دیگر نمی‌توان در هیچ‌یک از ابواب فقهی صرفاً بر اساس درهم یا هم‌وزن آن از نقره به نرخ روز، دیون و تعهدات شرعی افراد را تعیین کرد، بلکه باید با اصل قرار دادن دینار (پول طلا) و مشخص کردن نسبت آن با درهم (پول نقره) در عصر حاضر، میزان واقعی این دیون و تعهدات را تعیین کرد. زیرا در طول تاریخ همواره درهم از نظر ارزش تابع دینار بوده و نسبت ارزشی معینی بین آن‌ها وجود داشته و در روایات هم به این نسبت ارزشی توجه شده است.

منابع

- [۱]. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ ق). *لسان العرب*، ۱۸ جلد، تحقیق علی شیری، چاپ اول: بیروت، (۴).
- [۲]. ابوعبید، قاسم بن سلام (۱۹۸۱ م). *الاموال*، چاپ اول: بیروت، مؤسسة ناصر للثقافة.
- [۳]. بحرانی، یوسف، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، ۱۵ جلد، چاپ اول: قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳.
- [۴]. البستانی، بطرس (؟) *دائرة المعارف و هو قاموس عام لكل فن و مطالب*، ۱۱ جلد، بیروت، دارالمعرفة.
- [۵]. البلاذری، ابوالحسن، *فتوح البلدان* (؟). مصر، م. السعادة.
- [۶]. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۸). *ترمیمولوژی حقوق*، چاپ چهارم: تهران، گنج دانش.
- [۷]. الحر العاملی، محمد بن الحسن (۱۳۹۱ ق). *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، ۲۰ جلد، تصحیح: عبدالرحیم ربانی شیرازی، محمد رازی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- [۸]. حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر [علامه] (۱۳۳۳ ق). *منتهی المطلب*، ۲ جلد، بی‌جا، بی‌نا.

- [۹]. حلی، نجم الدین جعفر بن الحسین [محقق] (؟). *المعتبر فی شرح المختصر*، قم، مجمع الذخائر الاسلامیه.
- [۱۰]. حکیم، سید محسن (۱۳۸۸ ق). *مستمسک العروة الوثقی*، ۱۴ جلد، چاپ سوم: قم و نجف، آداب.
- [۱۱]. حی بن یقظان (ترجمه و تحریر) (۱۳۶۶). «طلا در کشورهای اسلامی از قرن اول تا قرن پنجم...» فصلنامه *مطالعات حقوقی و قضایی* (حق)، شماره ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان، ص ۲۱۵-۱۷۷.
- [۱۲]. خوانساری، سیداحمد (۱۳۶۴). *جامع المدارک فی شرح المختصر النافع*، ۷ جلد در ۶ مجلد، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم: قم، اسماعیلیان.
- [۱۳]. خوبی، سید ابوالقاسم (؟) *مبانی تکملة المنهاج*، ۲ جلد در یک مجلد، بیروت، دارالزهرا.
- [۱۴]. *دائرة المعارف الاسلامیه* (؟). ۱۵ جلد، بیروت، دارالمعرفة.
- [۱۵]. الدیمیری، کمال الدین (؟). *حیة الحیوان الکبری*، ۲ جلد، بی جا، المكتبة الاسلامیه.
- [۱۶]. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت نامه*، ۲+۱۵ جلد، چاپ اول از دوره جدید: تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- [۱۷]. الزبیدی، سید محمد مرتضی (؟). *تاج العروس من جواهر القاموس*، ۱۰ جلد، بیروت، دار و مكتبة الحیة.
- [۱۸]. زیدان، جرجی، *تاریخ التمدن الاسلامی*، بیروت، دار و مكتبة الحیة، بی تا.
- [۱۹]. سردار کابلی، حیدرقلی (۱۳۵۲). *غایة التعدیل فی معرفة الاوزان و المکابیل*، چاپ اول: تهران، شرکت سهامی انتشار.
- [۲۰]. الشرتونی (الخوری)، سعید (۱۴۰۳ ق). *اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد*، جلد، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی - رحمه الله -
- [۲۱]. شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۹۵). *فقه و قانون گذاری: آسیب شناسی قانون گذاری در نظام جمهوری اسلامی*، ویراست جدید، چاپ اول: قم، مؤسسه فرهنگی طه، کتاب طه.
- [۲۲]. _____ (۱۳۸۵). *قانون گذاری در نظام جمهوری اسلامی: آسیب ها و بایسته ها*، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- [۲۳]. شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش (۱۳۷۳). *نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری*، چاپ اول، تهران: روزنامه رسمی.
- [۲۴]. صفایی، حسن و اسدالله امامی (۱۳۷۹). *مختصر حقوق خانواده*، چاپ سوم: تهران، دادگستر.
- [۲۵]. الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرین (۱۳۶۷). ۴ جلد در ۲ جلد، تحقیق: محمود عادل، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- [۲۶]. الطوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن (۱۳۶۳ - ۱۳۶۵). *تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید*، ۱۰ ج، تحقیق: سید حسن موسوی خراسانی، چاپ سوم: تهران، دارالکتب الإسلامیه.

- [۲۷]. العاملی (الحسینی)، محمدجواد بن محمد (۱۳۲۴-۱۳۲۶ ق). *مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة*، ۱۰ جلد، قاهره، بی‌نا.
- [۲۸]. العاملی (الموسوی)، سید محمد بن علی (۱۴۱۰ ق). *مدارک الأحكام فی شرح شرایع الاسلام*، ۸ جلد، تحقیق: مؤسسة آل البيت - علیهم السلام - لاحیاء التراث، چاپ اول: قم، آل‌البيت.
- [۲۹]. علی، جواد (؟). *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، بیروت: دارالعلم للملایین.
- [۳۰]. الفیومی، احمد بن محمد بن علی (؟). *مصباح المنیر*، ۲ جلد، بیروت: المكتبة العلمية.
- [۳۱]. الکسانی، علاء‌الدین (؟). *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، بیروت: دارالکتب العلمية.
- [۳۲]. کرمی، محمدباقر، «ملاک‌هایی در پرداخت قیمت دیه»، در: پایگاه اطلاع‌رسانی معاونت آموزش دادگستری استان تهران، به نشانی:
<http://www.ghavanin.ir/PaperDetail.asp?id=753>
- [۳۳]. المجلسی، محمدباقر (؟). *الاوزان و المقادیر*، بی‌جا، بی‌نا.
- [۳۴]. _____ (۱۴۰۳ ق). *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، ۱۱۰ جلد، چاپ دوم: بیروت، مؤسسه الوفاء.
- [۳۵]. _____ (۱۴۰۴-۱۴۱۱ ق). *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، ۲۶ جلد + دو جلد مقدمه، تحقیق و مقدمه: سیدمرتضی عسکری، سید هاشم رسولی و سید جعفر حسینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- [۳۶]. «معادل ریالی دیه قانون مجازات اسلامی تعیین شد» (بخشنامه وزیر دادگستری) (۱۳۷۴). سلام، ۱۳۷۴/۱/۲۰، ش ۱۱۱۴، ص ۲.
- [۳۷]. المقریزی، تقی‌الدین (؟). *التقود الاسلامیه (شذور العقود فی ذکر التقود)*، قم، المكتبة الشریف الرضی.
- [۳۸]. منتظری، حسینعلی (۱۴۱۱-۱۴۱۳ ق). *کتاب الزکاة*، ۴ جلد، چاپ اول: قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، دارالفکر.
- [۳۹]. مؤسسه آموزشی و پژوهشی قضا (۱۳۹۰)، *ره توشه قضایی: استفتائات قضایی از محضر مرجع عالیقدر عالم تشیع حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب*، قم، قضا.
- [۴۰]. موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۶۶). «دو نکته از حقوق کیفری»، فصلنامه *مطالعات حقوقی و قضایی (حق)*، شماره ۱۱-۱۲، پاییز و زمستان، ص ۹۵-۱۱۰.
- [۴۱]. مهرپور، حسین (۱۳۷۴). «ضرورت تحول در قانون‌گذاری»، نامه مفید، سال اول، شماره ۲، تابستان.
- [۴۲]. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷). *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*، ۴۳ جلد، تحقیق: عباس قوچانی، چاپ سوم: تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۴۳]. النووی، محی‌الدین بن شرف (؟). *المجموع فی شرح المذهب*، ۲۰ جلد، بیروت، دارالمعرفة.
- [۴۴]. هینس، والتر (۱۳۶۸). *اوزان و مقیاس‌ها در اسلام*، ترجمه و حواشی: غلامرضا ورهام، چاپ اول: تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

